

« ماخ اولا» پیکره‌ی رود بلند / می رود نامعلوم / می خروشد هر دم / می جهانند تن، از سنگ به سنگ / چون فراری شده ای / (که نمی جوید راه هموار) / می تند سوی نشیب / می شناید به فراز / می رود بی سامان / با شب تیره چو دیوانه که یا دیوانه

رفته دبری ست به راهی کو راست /، بسسته با جوی فراوان پیوند / نیست دبری ست بر او کس نگران / و اوست در کار سراییدن گنگ / و او فتاده ست ز چشم دگران / بر سر دامن این ویرانه / با سراییدن گنگ آیش / ز آشنایی « ماخ اولا» راست پیام / و ز ره مقصد معلومش حرف / . به هر آن ره که بر آن می گذرد / همچو بیگانه که بر بیگانه / می رود نامعلوم / می خروشد هر دم / تا کجاشی آبخشور / همچو بیرون شدگان از خانه.

(نیما یوشیج، ۱۳۴۶، ۲۳۳)
در گریز از آنچه دیگران درباره‌ی واژه‌ی « ماخ اولا» گفته‌اند (ر، ک، هیوا، مسیح، ۱۳۹۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴) خود نیما ماخ اولا را دراین شعر در پیکره‌ی یک رود بلند تصویر کرده است. در چشم اندازی سبک شناختی به نظر می‌رسد که نیما دراین شعر، یک هم – ذات پنداری با این رود، از نظر اندیشگانی، در زبان، و بعد هنری و شاعرانگی خویش داشته است که ما، در زیر از سه ساخت اندیشه، هنر و زبان نیما دراین شعر، نکاتی را ذکر می‌کنیم.

در ساحت اندیشگانی

بـر بنیان اینکه ماخ اولا را رودی خروشان و چنـده و در حرکتی نامعلوم بدانیم؛ ساحت اندیشگانی نیما در زیر پوست‌این شعر در چند ویژگی رخ می‌نماید:

الف: حرکت و سرایش

نیما نیز مانند این رود، خود در جهت سراییدن، از چنان حرکت و پویسی در فراز و نشب زندگی برخوردار است که دراین حرکت، بی‌سامان می‌شود و مانند زمانه‌ی استبداد زده اش، رو به جنون دارد.

ب: تنهایی در پیوند با دیگران

این حرکت در پیوندی استوار با مردم، دیرگاهی است که شروع شده است، کسی نگران احوال شاعر نیست یا اصلا به حرکت او توجه ندارد، دراین سرزمین او همچنان در کار سرایشی مبهم است و در نظر دیگران اعتباری ندارد.

ج: یافتن آبخشور تقدیر

این رود با این شاعر، با خروشی همیشگی مانند رانده شدگان از مسکن مالوف خویش تаяقتن آبخشور تقدیر، در حرکتی نامعلوم، به پیش می‌رود.

در ساحت هنری

قالب

شعر ماخ اولا، یکی از اشعار نیماست که در قالب نیمایی در سال ۱۳۲۸ سروده شده است.

بحر و وزن

این شعر در بحر رمل مخبون است و وزن آن فاعلاتن فاعلاتن فعلن « / – U – / – UU – – / – / – « است.

هیوا مسیح درباره‌ی وزن و بحر – و … ماخ اولای نیما چنین نوشته است:

«این شعر در بحر رمل مخبون نیمایی و وزن معیار فاعلاتن فاعلاتن فعلن – فعات فع لن، فع لات) در ۲۶ سطر، شامل ۱۴ سطر عادی، ۱۱ سطر کوتاه و ۱ سطر بلند سروده شده است. « (هیوا، مسیح، ۱۳۹۲، ۱۰۴۴).

قافیه

این شعر هم قافیه‌ی درونی دارد، مانند «می رود» و « می خروشد» و «دیگران» و «دگران»، و هم قافیه‌ی پایانی بند مانند کلمات «دیوانه»، «ویرانه»، «بیگانه» و «خانه»، که در پایان هریک از بندهای شعر دیده می‌شود.

توصیف

این شعر توصیفی از پیکره‌ی رود ماخ اولاست. شیعی کدکنی در نگاه به‌این توصیف می‌نویسد: « نیما زندگی و گذران عمر خود را دراین رود

تقدیم به اوجی عزیز که در این خطه نیمایی س راست

« ماخ اولا یا نیما در کار سرایش گنگ آب»

د کتر عزیز شبانی

ب: تشبیه

در پایان این بند تشبیه نیز مرکب است. ضمن‌اینکه شاعر چهار رکن تشبیه را به کار گرفته است، از ادات تشبیه کلاسیک «همچو» استفاده نموده است که این قسمت کلام او را از نظر هنری آسیب پذیر کرده است.
[رود] «به هر آن ره که برآن می‌گذرد / همچو بیگانه که بر بیگانه»

بدیع

۱ – واج آرایی، تکرار واج

در به کارگیری آرایه‌های بدیسی در بافت عمودی شعر، نغمه حرف «ر» در « سراییدن»، «راست»، «ره»، «حرف»، «می‌رود»، «هر»، «بر»، « می‌گذرد» و « بر» به گوش می‌رسد.

تکرار کلمه

تکرار «ره» در مصراع‌های « و ز ره مقصد معلومش حرف» و « به هر آن ره که بر آن می‌گذرد»، و تکرار کلمه‌ی «آن» در همین مصرع و «بیگانه» در مصراع زیر تکرار شده است.

« همچو بیگانه که بر بیگانه»

تکرار سراییدن گنگ در مصراع‌های زیر

« و اوست در کار سراییدن گنگ»

« با سراییدن گنگ آیش»

تضاد

در بافت عمودی شعر نیما از کلمه‌ی «آشنا و بیگانه»که تضادی آرکنایک‌است‌استفاده‌نموده‌است.

« ز آشنایی، ماخ اولا راست پیام / …

همچو بیگانه که بر بیگانه.»

نیما در قسمت پایانی شعر ماخ اولا ضمن تکرار دو تشخیص اول شعر، و یک تشخیص آرکنایک و یک تشبیه در حوزه‌ی بیانی، در حوزه‌ی بدیع، با واج آرایی حرکت شعری خویش را در تنگه‌ای از ابهام جاری می‌سازد.

تشخیص

۱ – رفتن نامعلوم ماخ اولا

۲ – خروش هر دم ماخ اولا

۳ – پیدا کردن آبخشور (تقدیر خویش)

تشبیه:

یک تشبیه سه رکنی در حرکت ماخ اولا در مصراع «همچو بیرون شدگان از خانه» آینگی دارد. دراین تشبیه هم با تمام بدیع بودن، از ادات تشبیه کلاسیک «همچو» استفاده شده است.

بدیع

واج آرایی تکرار واج

دراین قسمت هم واج آرایی حرف «ر» و «د» تعدادی گر حرکت رود است.

در یک تنگه کلی به ساحت زیبایی‌شناسی شعر ماخ اولا، می‌توان گفت که نیما در ساحت بیانی از تشخیص، تشبیه، کنایه، استعاره استفاده کرده و در ساحت بدیعی از تکرار واج و کلمه و جمله، تضاد مراعات نظیر جناس و ابهام بهره گرفته است.

دیگر وابسته‌های هنری

از دیگر وابسته‌های هنری شعر ماخ اولا، که در بسستر تمثیلی آن روایت ساده و نماد و بیان حماسی است می‌توان از فرهنگ شعر نو فارسی چنین خواند:

« ماخ اولا از نظر روان بـودن در روایت ساده تر از شعر « با قطار شب و روز» است و بر آن پیچیدگی نحوی و زبانی وجود ندارد و باز همچون بسیاری از اشعار نیما از عناصر مشخص طبیعت و جغرافیایی شمال (مازندان –یوش) بهره برده است. و چه بسا « نماد موجودی سرگردان و پویان ^۱ « باشد. « برخی ناقلان و شارحان اشعاری چون «ماخ اولا» و… را دستاورد تنبع و تأثیرپذیری عمیق و خلاقانه از شاهنامه‌ی فردوسی و قصاید دوره‌ی یاد شده دانسته‌اند و این اشعار را اشعاری حماسه گونه نام نهاده‌اند.»
از نشانه‌های شعر البته در تعبیر و تفسیر چنین

شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۴
۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷
Jan 23۰ 2016
سال بیست ویکم
شماره ۵۶۷۵



« می‌رود» و « تیره» که تکراراین حرف ضمن تقویت موسیقی‌ی درونی‌ی شعر دریافت عمودی، حرکت رود را تداعی می‌کند. و نیز در واج آرایی

« د» در فعل‌های آغازین گزاره‌های شعر و نیز نغمه‌ی حرف «د» در واژه‌های «هردم»؛ « شده‌ای» و « دیوانه» نیز همین کار کرد تقویت موسیقی‌ی درونی را می‌بینیم:

ب: تکرار کلمه

تکرار واژه‌های سنگ و دیوانه در شعر آمده است.

۱ – تکرار کلمه‌ی سنگ در سطرِ « می جهانند تن از سنگ به سنگ »

۲ – تکرار کلمه‌ی دیوانه در سطر « در شب تیره چو دیوانه که با دیوانه»

ج: جناس – گونه

در دو سطر آغازین شعراین آرایه‌ی بدیعی به چشم می‌آید: «رود»، «می‌رود»

« ماخ اولا پیکره‌ی رود بلند / می‌رود نامعلوم»

ج: تضاد
نیما از واژه‌های آرکنایک «نشیب» و « فراز» در بدیع معنوی در حرکت‌این رود چنین استفاده کرده است:

« می تند سوی نشیب / می شناید به فراز»

هـ: مراعات نظیر:

در همین سطر نیز بین رفتن و شتاب مراعات نظیر است.

« می شناید به فراز / می‌رود بی‌سامان.»

درقسمت دوم شعر « رفته دبری ست تا ویرانه» در ساخت بیانی چهار تشخیص و یک استعاره و در ساحت بدیعی تکرار واج و واژه و جناس و در بافت عمودی شعر مراعات نظیر دیده می‌شود.

الف: تشخیص

رفتن رود

۱– [رود] « رفته دبری ست به راهی کور است.

۲– پیوندِ بستن

« بسته با جوی فراوان پیوند»

۳ – سراییدن گنگ

[رود] « و اوست در کار سراییدن گنگ» که خود دراین تشخیص فورگراندینک، بازتاب دارد.

۴ – سر دامن این ویرانه

« بر سر دامن این ویرانه»

ب: کنایه

۱ – از چشم افتادن: کنایه از بی‌ارزش شدن است.
این کنایه در مصراع زیر کاربرد پیدا کرده است:

« و افتاده ست ز چشم دگران»

ج: استعاره

ویرانه، استعاره از سرزمین نیما چپوش و

شمال و چه ایران و جهان.

۱ – « و افتاده ست ز چشم دگران بر سر دامن‌این ویرانه»

بدیع

۱ – واج آرایی، تکرار واج

در ساحت بدیعی نیز نغمه‌ی حرف «ر» در کلمات «دبری است»، «راهی»، « کور

است»، «فراوان»، «دبری»، « بر»، « نگران»، «در»، «کار»، « سراییدن»، «دگران»، «بر»، «سر» و «ویرانه» به گوش می‌رسد که همان کاربست تقویت موسیقی‌ی درونی شعر را دارد و

تداعی صدای جاری شدن رود است و نیز نغمه‌ی حرف «ن» در واژه‌های « فراوان»، « پیوند»، « نیست»، « نگران»، « سراییدن»، « گنگ»، «دگران»، «دامن»، «این» و «ویرانه» شنیدنی است و نیز نغمه‌ی حرف سین قابل ملاحظه است.

۲ – تکرار جمله و کلمه

جمله‌ی « دبری است» در دو مصراع تکرار شده است:

« می تند دبری است به راهی کو راست… نیست دبری ست بر او کس نگران» و نیز تکرار کلمه‌ی « است » و در همین بند به چشم می‌خورد.

۳ – مراعات نظیر:

۱ – واژه جوی در بافت عمودی شعر با رود در تناسب است.

[رود ماخ اولا] / بسته با جوی فراوان پیوند.»

۴ –ابهام:

در واژه‌ی نگران که در قافیه جای گرفته است،

نیست دبری است بر او کس نگران»

در قسمت سوم شعر از « با سراییدن… تا خانه»

پنج تشخیص، و یک تشبیه مرکب در حوزه‌ی بیانی به کار گرفته شده است.

الف تشخیص:

در مصراع‌های زیر تشخیص به کار رفته است.

۱ – سرایش گنگ در « با سراییدن گنگ آیش»

۲ – پیام آشنایی ماخ اولا: در « ز آشنایی ماخ اولا راست پیام»

۳ – راه و مقصد ماخ اولا در « وز ره مقصد معلومش حرف»

۴ – تکرار ماخ اولا در همین مصراع « و ز ره مقصد معلومش حرف»

۵ – گذشتن ماخ اولا « به هر آن ره که بر آن می‌گذرد»

بر می‌آید که باز هم سرنوشت و سرگذشت شاعری نیما را در شعر ماخ اولا به تصویر کشیده است. و به نوعی « ماخ اولا» نه دره بلکه رودخانه‌ی « ماخ اولا» خود نیماست. شاید این جمله‌ی مشهور نیما مولود همین شعر باشد که گفت: « من شبیه به یک رودخانه هستم که هرکس به اندازهٔ توان خود می‌تواند از آن آب بردارد.» (هیوا، مسیح، ۱۳۹۲؛ ۱۰۲۱)

محمد مختاری در انسان در شعر معاصر « ماخ اولا» را نماد حرکت و آشنایی می‌داند: « ماخ اولا نماد حرکت و آشنایی و رفتن و پیوستن به مقصد معلوم و سراییدن از آنها می‌شود. زیرا خود دارای چنین کارکردی است.

(**محمد، مختاری، ۱۳۹۲: ۲۰۶**)

در ساحت زبانی

توجـّه به طبیعت و از آنجا به ماخ اولا در زبان نیما با چند متخصه ازسبک خراسانی بازتاب پیدا کرده است.

۱ – قرار گرفتن «واو» در اول مصراع، نمونه‌ها:

« و اوست در کار سراییدن گنگ»

« و افتاده ست ز چشم دگران»

۲ – استفاده از مسائل آوایی از قبیل اشباع مصوت‌های کوتاه و تخفیف نمونه:

« و اوست»، « و افتاده»، « ره»، «ز» « کاو راست.»

و نیز شاخصه‌های زبانی دیگری در بافت عمودی شعر به چشم می‌خورد از قبیل:

۱ – استفاده از اسامی محلی نمونه: « ماخ اولا»

۲ – جابه جایی ضمیر نمونه

« معلومش حرف»، « در کجاش آبخشور.»

۳ – استفاده از کلمات آرکنایک، مانند:

آرکنایک آبخشور. در معنای تقدیری آن، که‌این شعر منتسب به حافظ را لایه لای متن ماخ اولا تداعی می‌کند.

« ما برقیتم و تو دانی و دل غم خور ما بخت بد تا به کجا می‌برد ^۱ آبخشور ما»

(**حافظ، شمس الدین، ۱۳۶۲، ۳۶۹**)

۴ – استفاده از مصدر جمعی

اگر می‌تند در سطر « می تند سوی نشین» از مصدر تنبیدن به معنی تن زدن باشد (تن + یدن)، نیما از مصدر جمعی استفاده کرده است.

پانویس:

۱ – داستان دگردیسی، ص ۱۵۳، (به نقل از پاورقی هیوا مسیح، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲۱)

۲ – اشاره به داستان دگردیسی ص ۱۲۹ و در تمام طول شعر، دکتر احمد رضا بهرام پور عمران، ص ۲۱۵. (به نقل از پاورقی همان، ص ۱۰۲۱)

۳ – در نسخه قدسی می‌کشد آمد است.

۴ – اسدالله‌یکتایی آن را از نزاری قهستانی دانسته است. (رک، حافظ، شمس الدین، ۱۳۶۲، ص ۳۶۹)

این غزل در چاپ‌های قزوینی، سایه و نیساری نبود و در جزء غزلیات (۵۴) دیوان نزاری قهستانی به تصحیح دکتر مظاهر صفّا (تهران بهار ۱۳۷۱، ص ۵۵۱) درج شده است. خانلری آن را در بخش ملحقات آورده و به نقل از مرحوم پُزمان آن را از نزاری دانسته است. (حافظ، ۱۳۸۱، ص ۱۴) ***

منابع

۱– پور نامداریان، تقی، (۱۳۹۲). خانه ام ابری است، تهران: انتشارات مروارید، چاپ چهارم.
۲ – حافظ، شمس الدین (۱۳۶۲). [دیوان] حافظ، به تصحیح مجیدیکتایی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
۳– حافظ، حسن الدین (۱۳۸۱). دیوان حافظ به کوشش حسن ذوالفقاری و ابوالفضل علی محمدی، تهران، نشر چشمه.
۴ – مختاری، محمد، (۱۳۹۲). انسان در شعر معاصر، تهران: انتشارات توس، چاپ چهارم.
۵– هیوا، مسیح، (۱۳۹۲). فرهنگ شعر نو فارسی از افسانه تا همیشه، تهران: انتشارات دانستار، ص ۶.
یوشیج، نیما، (۱۳۴۶)، مجموعه‌ی اشعار، به کوشش جنتی عطایی، ابوالقاسم، تهران: انتشارات صفی علی شاه.

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
<p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۶۰۳۱۱۰۰۱۳۴۸۶۹ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حلیمه عباسیان‌نژاد فرزند حسن به شماره شناسنامه ۳۳۸ صادره از خرمشهر در شهسدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۵۳/۸۴ مترمربع پلاک ۳۹۱۷ فرعی از ۲۰۷۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۷ فرعی از ۲۰۷۱ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی رضاقلی شریفی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۱/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۱/۱۸ ۲/۲۷۴۶۶م الف</p>	<p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۶۰۳۱۱۰۰۱۳۴۸۷۷ هیأت اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فاطمه رخ‌بخش زمین فرزند رجب‌علی به شماره شناسنامه ۷۰۹ صادره از شیراز در اعیانی شهسدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۹۵/۵۶ مترمربع پلاک ۳۶ فرعی از ۲۰۲۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۲۵ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی علی کشاورز ارشدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۱/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۱/۱۸ ۲/۲۷۴۶۵م الف</p>	<p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۶۰۳۱۱۰۰۱۳۴۸۷۷ هیأت اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی عباس آقائی‌زاده حقیقی فرزند علی به شماره شناسنامه ۶۴۰ صادره از شیراز در شهسدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۴۹/۵۶ مترمربع پلاک ۲۷۴۶ فرعی از ۱۷۹۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۲ فرعی از ۱۷۹۳ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی جواد محمدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۱۱/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۱/۱۸ ۲/۲۷۴۶۴م الف</p>
<p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین</p>	<p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین</p>	<p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین</p>

^[1] نیما یوشیج، ۱۳۴۶، ۲۳۳)

^[2] نیما یوشیج، ۱۳۴۶، ۲۳۳)